

علل تعویق دادگاه دستگیرشدگان اول ماه مه سقز

علی خدیری

طی یک هفته گذشته محاکمه محسن حکیمی، محمود صالحی و محمد عبدی پور از دستگیر شدگان اول ماه مه سقز، که قرار بود به ترتیب در روزهای دوم، هفتم و دهم آذر، برگزار شود مجدداً به تعویق افتاد. این امر بار دیگر معضل رژیم اسلامی در برخورد به این پرونده را نشان داد. کسانی معتقدند که مقامات قضائی مدارک کافی برای محاکمه در اختیار ندارند و به همین خاطر محاکمات را به تعویق می‌اندازند. این استدلال قابل قبول نیست. به این دلیل ساده که جمهوری اسلامی برای حذف کردن مخالفین، شکستن قلمها و قدمها و بستن دهانها هیچگاه احتیاج به مدارک نداشته است و هنوز هم ندارد. تمام پرونده های سیاسی در قوه قضائیه، حداقل در ۷ ساله اخیر نشان میدهد که قوه قضائیه رژیم اسلامی برای محکوم کردن افراد مورد نظر خود نیاز به مدارک ندارد زیرا هر آنچه بخواهد را خودش درست میکند. این رژیم در دفتر کار ناصر زرافشان "مشروب و اسلحه" پیدا کرد البته هنگامیکه خود این وکیل شجاع در بازداشت بود و سپس محکومش کرد. همه می دانند که زرافشان در ارتباط با پرونده قتلهای زنجیره ای زندانی است.

<ب>

تناقض منفعت عمومی و محلی رژیم اسلامی

اینکه این رژیم قادر نیست دستگیرشدگان اول ماه مه سقز را محاکمه کند بدلیل تناقض منفعت عمومی کل نظام اسلامی با عمل مسئولین محلی در سقز برای محاکمه است. در اردیبهشت امسال دو واقعه مستقل از هم و بدون ارتباط با هم در ایران در جریان بود. یکی برگزاری مراسم اول ماه مه مستقل از دولت و شوراهای اسلامی در چندین شهر ایران. و دیگری دیدار یک هیئت از کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری از ایران. محمود صالحی که یکی از فعالین و سازماندهان مراسم اول ماه مه بود، علیرغم خواست رژیم اسلامی و خانه کارگر و موانع سر راه به همراه محسن حکیمی بعنوان مترجم خود به دیدار این هیئت رفت و این دو واقعه را بهم متصل کرد. این اتصال منفعت عمومی رژیم اسلامی را با منفعت محلی آن دچار تناقض کرده است. دادگاه و محاکمه دستگیر شدگان اول ماه مه سقز تا پیدا شدن راهی برای حل این تناقض پایان نخواهد یافت.

دیدار هیئت نمایندگی کنفدراسیون از ایران

رژیم جمهوری اسلامی یک حکومت در حال گذار است که مقبول هیچکدام از طبقات اصلی یعنی پرولتاریا و بورژوازی نیست و باید تغییر کند. ضرورت این تغییر پس از سر کشیدن جام زهر توسط خمینی و پایان جنگ ایران و عراق برای طبقه حاکمه محسوس شد. جناحهای مختلف بورژوازی در تلاش بوده و هستند که این رژیم را آرام و بتدریج عوض کنند. اینکه اینها در شیوه کار دارای چه اختلافاتی هستند مورد نظر این مقاله نیست. آنچه تاکیدش در اینجا ضرورت دارد این واقعیت است که جمهوری اسلامی نیازمند است در باشگاه دولتهای به اصطلاح مقبول بورژوائی بعنوان عضوی پذیرفته شود که قواعد بازی را رعایت میکند. تنها مسیری که در مقابل جمهوری اسلامی است ورود و عضویت در سازمان تجارت جهانی میباشد. درست پس از اتمام جنگ ایران و عراق، دولت بریاست جمهوری رفسنجانی با قبول داوطلبانه سیاستهای صندوق بین المللی پول این پروسه را با بیکار سازیها، شناور کردن ریال و غیره شروع کرد. این تلاش به اشکال گوناگونی تا همین حالا ادامه دارد. جمهوری اسلامی برای پذیرفته شدن در سازمان تجارت جهانی باید شرایطی را دارا باشد که یکی از آنها نظر مثبت سازمان جهانی کار درباره پرونده کارگری رژیم اسلامی است. این سازمان نیز نمیتواند جمهوری اسلامی را تایید کند مگر اینکه این رژیم خود را با مقابله نامه های "آی ال او" به نوعی تطبیق دهد. در این راه برای رژیم اسلامی تاییدیه کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری بسیار مهم است. چرا که سازمان جهانی کار تشکیلات مشترک کارگران و کارفرماها و دولتهاست؛ یعنی سه جانبه است و کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری بزرگترین بلوک کارگران در "آی ال او" است. این کنفدراسیون بر سر مسایل زیادی با حکومت ایران اختلاف دارد که یکی از آنها حق تشکل است. واقعیت اینست که کارگران در ایران حق تشکل ندارند و خانه کارگر، بعنوان چتر شوراهای

اسلامی، یک تشکل ضد کارگری است. اما خانه کارگر همیشه کوشیده تا خود را بعنوان تشکل راستین کارگران به کنفدراسیون بقبولاند. آخرین تلاش خانه کارگر برای قانع کردن کنفدراسیون در آوریل گذشته اتفاق افتاد. در اواخر این ماه خانه کارگر هیئتی از کنفدراسیون را به ایران دعوت کرد. قصد مقامات خانه کارگر این بود که هیئت فقط با افراد منتخب آنها صحبت کند. خانه کارگر این هیئت را در زمانی به ایران دعوت کرده بود که بتواند آنها را به تظاهرات روز ۱۱ اردیبهشت ببرد و آنها را تحت تاثیر قرار دهد. داشتن کارنامه کارگری مورد قبول نزد "آی ال او" منفعت عمومی کل رژیم اسلامی مستقل از تمامی جناحها و باندها و دسته بندی هایش است.

اول ماه مه سقز

امسال یک حرکت قوی برای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر مستقل از دولت و شوراهای اسلامی در جریان بود. در چند ساله گذشته برگزاری مراسم روز جهانی کارگر از محافل خارج شده بود و رژیم اسلامی که یارای مقاومت در مقابل گسترش آنرا نداشت به اینکه این مراسم در سالنهای سر پوشیده انجام شود رضایت داد بود. اما امسال عده ای از فعالین جنبش کارگری در تدارک برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در خارج از سالنهای سرپوشیده بودند و یک قطعنامه سراسری را نیز تهیه کرده بودند. اخبار مراسم روز جهانی کارگر امسال را همه می دانند و من از ذکر آن صرف نظر می کنم و به مراسم سقز که مورد نظر این مطلب است می پردازم. چندین سال است که برگزاری مراسم اول ماه مه مستقل از دولت و شوراهای اسلامی در سقز موضوع کشاکش بین مقامات محلی از شهردار، فرماندار و مقامات وزارت اطلاعات از یک طرف و فعالین کارگری شهر سقز و بویژه انجمن صنفی خبازان از طرف دیگر بوده است. از سال ۱۳۶۸ محمود صالحی یکی از فعالین کارگری ثابت قدم برای برگزاری مراسم روز کارگر در شهر سقز بوده است چه در محافل و تجمعات بزرگ و کوچک کارگری و چه بعدها توسط انجمن صنفی خبازان. درگیر بودن محمود صالحی و دیگر فعالین کارگری شهر سقز با مقامات محلی بر سر چگونگی برگزاری مراسم روز کارگر هرگز موضوع تازه ای نبوده است. بطور مثال در ادیبهشت سال ۱۳۸۰ محمود صالحی بلافاصله بعد از آزادی از یک زندان ده ماهه برای برگزاری مراسم اول ماه مه فعالیت خود را شروع میکند. با آنکه فرمانداری سقز موافقت خود را برای یک سخنرانی ۷ دقیقه ای توسط محمود صالحی در مراسم روز کارگر اعلام میکند اما ماموران وزارت اطلاعات وی را در خود مراسم و جلوی چشم همه شرکت کنندگان دستگیر و از شهر سقز خارج می کنند، در صورتیکه فقط سه روز بود که از زندان آزاد شده بود. اعتراضات شرکت کنندگان در مراسم و تهدید فرماندار برای تجمع در مقابل اداره اطلاعات سقز ماموران اطلاعاتی را ناچار میکند تا محمود صالحی را آزاد کنند. بدلیل موقعیتی که اول ماه مه امسال سقز در تاریخ جنبش کارگری ایران یافته است جا دارد تا محمود صالحی تاریخ برگزاری مراسم روز کارگر در سقز را در تمام این سالها و به قلم خودش بنویسد.

امسال درگیری فعالین جنبش کارگری برای برگزاری مراسم روز کارگر در سقز یک فرق عمده با سالهای گذشته داشت؛ و آن تشکیل یک شورا برای برگزاری مراسم بود که خود بخشی از یک تجمع بزرگتر بود که برگزاری مراسم روز کارگر را در چندین شهر از جمله در تهران در دستور داشت و همچنین وجود یک قطعنامه سراسری که کلیه این مراسم ها را بهم وصل میکرد. اینها اگر چه برای جنبش کارگری یک گام اساسی و مهم به جلو بود و راه را برای برگزاری مراسم روز کارگر به شکل سراسری باز میکرد اما از نظر مقامات محلی سقز موضوع آشنای هر ساله بود. تصمیم مقامات محلی سقز بر اساس سیاستهای همیشگی آنها اتخاذ شد. آنها مطلقا از دیدار هیات کنفدراسیون از ایران و علل آن و همچنین از دیدار دو روز قبل محمود صالحی با این هیات بی اطلاع بودند. آنها نمی دانستند که محمود صالحی با گذشتن از سد دیوار امنیتی رژیم خود را به هیئت نمایندگی کنفدراسیون رسانده و وضع کاری و معیشتی طبقه کارگر و فضای سیاسی حاکم بر زندگی و کار این طبقه را با فاکت برای آنها تشریح کرده است. مقامات محلی سقز نمیدانستند که محمود صالحی به هیئت نمایندگی کنفدراسیون اطلاع داده بود که در جریان برگزاری مراسم روز کارگر هستند و با مقامات محلی درگیری دارند و احتمال دستگیری وی مانند همیشه بسیار زیاد است. محمود صالحی حتی هیئت نمایندگی کنفدراسیون را دعوت کرده بود که با وی به سقز بروند و در مراسم روز کارگر سقز که غیر دولتی و مستقل از شوراهای اسلامی است شرکت کنند. در چنین شرایطی بود که نحوه برخورد رژیم اسلامی به مراسم اول ماه مه، دستگیری شرکت کنندگان در تظاهرات و اعتصاب غذای آنها بازتاب داخلی و جهانی یافت. در عرض چند روز بی حقوقی کارگران ایران، فقدان حق تشکل و حق اعتصاب آنها و بویژه اینکه حتی حق برگزاری مراسم روز جهانی خود را ندارند در راس اخبار رسانه های کارگری جهان قرار گرفت. تاثیرات جهانی دستگیری کارگران سقز در روز کارگر و بویژه درگیر شدن دبیرکل کنفدراسیون بین المللی

اتحادیه های کارگری آزاد و دبیرکل سازمان جهانی کار در این پرونده که در جهان به ندرت اتفاق می افتد، برای پایان یافتن اعتصاب غذا و آزادی زندانیان درست علیه هدف و اقدامات رژیم اسلامی بود برای داشتن یک نمره قبولی در کارنامه کارگری خود نزد "آی ال او".

ابتدا رژیم و گرایش راست جنبش کارگری و به طور مشخص هیات موسس سندیکاهاى کارگری کوشیدند دستگیری کارگران سقز را سیاسی جلوه بدهند تا چهره جهانی رژیم نزد "آی ال او" خدشه دار نشود. این حيله بسرعت افشا شد و جالب است که در نامه ای که بلافاصله گای رایدر دبیرکل کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری نوشت، اتهامات سیاسی برای دستگیرشدگان سقز را مورد تردید جدی قرار داد و روشن شد این اتهام خریداری ندارد.

خلاصه کنم، محمود صالحی با دیدارش با هیات نمایندگی کنفدراسیون اتحادیه های کارگری آزاد دو واقعه مستقل را که در اردیبهشت در جریان بود را به هم متصل کرد و بدین ترتیب اقدامات همیشگی مقامات سقز در جلوگیری از برگزاری مراسم روز کارگر را امسال به اقدامی علیه منافع عمومی خود رژیم اسلامی تبدیل کرد. محکومیت دستگیر شدگان اول ماه مه سقز مانع قبول شدن کارنامه رژیم اسلامی نزد "آی ال او" است. رژیم اسلامی اجرا کردن تصمیم خود در قبال این پرونده را تا هنگامی که سازمان جهانی کار پرونده کارگری رژیم اسلامی را مهر قبولی بزند کمابیش معلق نگه خواهد داشت تا خدشه ای بر آن وارد نشود. تفاهم نامه اخیر سازمان جهانی کار با رژیم اسلامی که بر اساس آن شوراهاى اسلامی به عنوان تشکل کارگران ایران پذیرفته میشوند اگر قانون تشکیلشان تغییراتی بکند مسیری است که هر دو آنرا پذیرفته اند. رسیدگی به پرونده دستگیرشدگان اول ماه مه سقز توسط رژیم در پایان این مسیر خواهد بود.

۱۱ آذر ۱۳۸۳

اول دسامبر ۲۰۰۴